

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

سيد عيسي حسيني مزارى

در آستانه سي و سومين سالروز پيروزي انقلاب اسلامي ايران، مطالعه اوضاع داخلي ايران و شرايط جهاني نشان مي دهد كه برخلاف هياهو ها و صحنه سازي هاي دشمنان، حركت جمهوري اسلامي ايران روبه پيشرفت و در حال پيمودن قله هاي ترقي و تعالي و رسيدن به اوج اقتدار در عرصه هاي مختلف است و دشمنان آن، سير نزولي در پيش گرفته، مي روند تا در حضيض ذلت قرار بگيرند.

البته دشمنان آرام نيستند و نمي گذارند تا اين واقعيت براي عموم مردم چهره بنمايانند و اين اعتقاد درميان توده ها هويدا گردد كه ايران اسلامي، در اثر مجاهدت رهبري و مردم آن، مي رود تا نتايج دسترنج ملت خود را برداشت نموده، به عنوان يك قدرت مطرح جهاني عرض اندام نمايد، و لذا تمام تلاش خود را براي وارونه نسان دادن اوضاع در ايران به كار گرفته است.

آنچه كه دشمن به دنبال آن است اين است كه اين تصور را در اذهان عمومي جهان ايجاد نمايد كه

فشارهاي متعدد عليه جمهوري اسلامي ايران، به مراتب از هر زمان ديگري، بيشتر گرديده و بر اثر تداوم آن، نظام جمهوري اسلامي ايران، رو به ضعف نهاده و درنتيجه، اين احتمال را قوت مي بخشد که یک حمله سهمگين و خشونت بار از بيرون و برخي تنشها و نابسامانيها از داخل، مي تواند کاراين نظام را يکسره نمايد.

اين ذهنيت به خصوص براي کساني ايجاد مي شود که يا عمر آنان کفاف آن را نمي دهد که به گذشته برگردند و حوادث ايجاد شده داخلي و بين المللي مرتبط با ايران اسلامي را به بررسي بنشينند و يا اينکه در زمره نا آگاهان بوده، نگاهی به عمق نداشته، فقط به سطح مسايل، ديد گذرا و عوامانه مي اندازند.

در اين صورت قطعي به نظر مي رسد که چنين افراد و اشخاصي از وجود اوضاع فعلي ايران چه در داخل و چه در خارج نگران باشند.

اما مطالعه وضعيت سي وسه سال گذشته ايران و دشمنان منطقه اي و بين المللي آن به ويژه آمريکا و انگليس، نشان مي دهد که اوضاع برعکس بوده و ايران اسلامي به مراتب قوي تر از سي و سه سال پيش است و دشمنان آن، به مراتب ضعيف از قبل بوده و اکنون اين ايران اسلامي است که در بهترين وضعيت ممکن قرار دارد.

براي بررسي اين حقيقت، فقط کافي است که نگاهی هرچند گذرا به وضعيت داخلي ايران و قدرت تاثيرگذاري انقلاب اسلامي آن درمنطقه جهان و اوضاع عمومي دشمنان ايران افکنده شود، آنگاه نتيجه اي که خواهيم گرفت همان حقيقتي است که دربالا ذکر شد.

وضعيت داخلي ايران:

الف: ضعف ايران و قدرت دشمنان دردهه اول انقلاب

مقايسه دهه اول ايران پس از پيروزي انقلاب اسلامي با دهه چهارم، به خوبي اين حقيقت را آشکار مي سازد که ايران کنوني یک صدم مشکلات دهه اول پس از پيروزي را ندارد. چه اينکه جمهوري اسلامي ايران

در دهه اول، علاوه بر اینکه نظامی نو پا بود و حاکمیت هنوز از استقرار و استحکام لازم برخوردار نبود و نیز انقلابیون از تجربیات خوبی بهره نداشتند و جریان ها، احزاب و گروه های غیر اسلامی هم در صفوف انقلابیون مسلمان از حضور برجسته ای برخوردار بودند، و خود خطری مهم برای نظام اسلامی محسوب می شدند، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه خود را شاهد بود.

در این نبرد، تنها عراق نبود که علیه ایران وارد جنگ شده بود، بلکه تمام قدرتهای شرقی و غربی با تمام سازو برگ نظامی، سیاسی، فرهنگی و رسانه ای، در کنار عراق و علیه ایران حضور داشتند.

نا امنی های داخلی، ترورهای کور شخصیت ها و حتی دست اندرکاران اصلی نظام چون اعضای حزب جمهوری اسلامی، رئیس جمهور و نخست وزیر، آیت الله مطهری، آیت الله مفتاح، آیت الله صدوقی، آیت الله اشرفی اصفهانی، شهید هاشمی نژاد و ده ها وصدها تن از نیروهای انقلابی و حتی مردم عادی، تجربه دیگری بود که ایرانی ها در دهه اول پشت سرگذاشتند.

غائله کردستان، ناآرامی های اقوام و طوایف مرزی و تحرکات تخریبگرانه گروهک های فداییان خلق و کومله و... از دیگر مشکلات پیش روی نظام اسلامی در دهه اول پیروزی انقلاب بود.

کودتای نوژه، عملیات آمریکایی ها علیه پایتخت کشور که در صحرای طبس با امداد غیبی مواجه گردید و به شکست مفتضحانه روبرو شد، هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران برفراز خلیج فارس توسط ناو جنگی آمریکایی، تحریمهای پیاپی ایران از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا که تاکنون نیز ادامه دارد از دیگر معضلات نظام اسلامی بود.

موارد یاد شده نمونه های بسیار کوچک مشکلات و معضلات گریبانگیر جمهوری اسلامی ایران در آن دوره بود و بدین ترتیب، دیده می شود که ایران، در دهه اول پس از پیروزی، در چه موقعیتی قرار داشت.

اما از آن طرف، دشمنان نظام در نهایت قوت و قدرت قرارداشته و از هرگونه امکانات اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه ای و از حکومت های چندین دهه ای ظاهرا با ثبات نیز برخوردار بوده اند. ولی با آن هم نه تنها کوچکترین انحرافی در مسیر روبه پیشرفت انقلاب وارد نتوانستند که خود، روز به روز با شکست مفتضحانه مواجه گردیدند.

ب: اقتدار ایران و ضعف دشمنان در دهه چهارم انقلاب

اما امروز جمهوری اسلامی ایران با سپری شدن سی و سه سال از عمر آن، استقرار و استحکام بیش از پیش پیدا نموده، انقلابیون و دست اندرکاران آن از تجربه کافی حکومت داری و مدیریت کلان جامعه بهره مند شده، نه تنها بسیاری از مشکلات دهه اول را ندارد که با استفاده از تضییقات اقتصادی ناشی از تحریم ها، به پیشرفت های خارق العاده ای هم دست یافته است.

ایران اسلامی از نظر سیاسی، امروزه در سطح بالایی از فعالیت و حضور در داخل و خارج قرار دارد و با فاصله گرفتن از حالت انفعال، سیاست فعال و تهاجمی را در پیش گرفته و از روابط گسترده دیپلماتیک برخوردار است و از برکات این روند است که ایران، دوستان زیادی در سطح جهان دست و پا نموده، به نحوی که امروزه حضور ایران در کشورهای آمریکای لاتین - یعنی حیط خلوت آمریکا - گویای همین سیاست فعال و پویاست.

در بعد اقتصادی نیز ایران سیر خودکفایی را به سرعت طی نموده و می رود که وابستگی های اندک باقی مانده را نیز پشت سر بگذراند.

از نظر نظامی، نه تنها در منطقه که در سطح دنیا، حرف بسیاری برای گفتن دارد و هم اکنون این کشور در تولید برخی محصولات نظامی در جمع چند کشور برتر و محدود دنیا قرار دارد. ایران در صنعت هوا فضا پیشرفت حیرت انگیزی داشته به گونه ای که تنها کشور اسلامی است که بارها به فضا ماهواره فرستاده است و در صنعت و تکنولوژی و به ویژه در زمینه نانو تکنولوژی و ... نیز رشد چشمگیری داشته است.

ترقی و ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه انرژی هسته ای هم که حاجت به گفتن و نوشتن ندارد، چرا که دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته است،

در فنون سدسازی، راه و ساختمان و شهرسازی نیز ایران دست بالایی پیدا نموده است، اما از همه این دستاوردها مهمتر، نیروی نظامی قدرتمند ایران در قالب سپاه، ارتش و بسیج مردمی و ایجاد کادر مدیریتی نیرومند در صحنه های اداره کلان کشور، چه از قشر دانشگاهی و چه از طلاب و علمای حوزه علمیه است که ایران اسلامی را از این نظر، به یک قدرت جهانی تبدیل نموده است.

این در حالی است که حضور مردم هم در صحنه های حمایت از این نظام، بیش از گذشته به نظر می رسد، که

به عنوان مثال می توان از حضور پرشور مردم ایران در تظاهرات نهم جدی سال 88 در شهرهای مختلف ایران و به ویژه در تهران نام برد، تظاهراتی که در آن، جمعیتی چند ده میلیونی به خیابان ها ریختند به گونه ای که حتی از فضای مشرف بر شهر ها از طریق بالگردها، در پهنه لنز دوربین های قوی هوایی نیز نمی گنجیدند و زبان نیز از شمارش و تعریف آن قاصر است.

پس نتیجه اینکه ایران اسلامی نه تنها مشکلات گذشته را در مقابل خود ندارد که در همه عرصه ها، قدرتمندتر از همیشه بوده و در محوریت همه این توانمندی ها، وجود و حضور خدای متعال و توجه ائمه معصومین(ع) نیز کاملاً محسوس و مشهود است.

در این میان و با وجود همه موارد و معیارهای ذکرشده، رهبری قدرتمند، مدیر، مدبر، حکیم و توانا در راس هرم همه مجموعه ها و تشکلات مردمی، سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار دارد، که روند روبه پیشرفت این کشور را چند و چندین برابر ساخته است.

قدرت یافتن نظام اسلامی در ایران درحالی است که دشمنان ایران، آن اقتدار دهه اول انقلاب را ندارند. بلوک شرق به زباله دان تاریخ افکنده شد و حتی بازمانده های آن در روسیه نه تنها سرستیز و مخالفی با ایران ندارند که گاه و بیگاه، هم نظر و هم خط با جمهوری اسلامی می گردند، حکومت سیاه طالبان که همواره مزاحمتهایی علیه ایران اسلامی داشت به دست پدیدآوردندگان شان ساقط گردید، صدام حسین همراه با همه سواره و پیاده نظام خود به تاریخ پیوست، حکومت سکولار و ضد دین و وابسته به غرب و اسرائیل تونس سرنگون شد، بزرگترین پایگاه غرب در مصر با سرنگون شدن حسنی مبارک از دست رفت، دیکتاتور یمن فرار کرد و سایر دیکتاتورهای منطقه هم که وابستگی صددرد به غرب داشتند، درحال سرنگون شدن می باشند و علاوه بر اینها، خود کشورهای غربی نیز با مشکلات عدیده ای گرفتارند.

اعتراضات میلیونی مردمی علیه حکام مستبد آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، وجود فشارهای اقتصادی در حد ورشکستگی بسیاری از بنگاه های اقتصادی دولتی و خصوصی این کشور ها، بحران های مالی پی در پی، احتمال فروپاشی حوزه یورو و همه و همه، دشمنان جمهوری اسلامی ایران را در نهایت ضعف قرار داده است.

وضعیت خارجی ایران:

وضعیت ایران را در خارج از این کشور از چند زاویه می توان مورد بررسی قرارداد:

الف: انقلاب اسلامی و تاثیرگذاری عمومی

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی، تاثیرات شگرفی در سطح دنیا گذاشت، به گونه ای که افکار عامه جهانی را تحت تاثیر قرارداد و تحولات بسیار بنیادینی در اندیشه های بشری ایجاد کرد. انقلاب اسلامی، معادله زندگی نوینی فرا روی انسان ها قرارداد، به گونه ای که علامتهای سؤال بسیار جدی در پیش روی آحاد جوامع انسانی و حتی غیرمسلمانان گذاشت به گونه ای که علاوه بر ایجاد جرأت و جسارت در میان توده های مختلف جهان جهت ابراز وجود و انعکاس خواسته های برحق خود علیه حاکمان استبداد پیشه، زمینه توجه دسته های بزرگی را به سوی اسلام فراهم نمود و کار به جایی رسید که مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای غربی، شاهد حضور افراد و گروه های متعددی گردیدند که متقاضی گرویدن به دین اسلام می شدند.

ب: انقلاب اسلامی و احیای اسلام

انقلاب اسلامی ایران که با "ید" مسیحایی امام روح الله الموسوی الخميني "ره" هدایت و رهبری می شد و با قدرت شگفت انگیزی به پیروزی رسید، اسلام را دگر باره احیا کرد و توده های مسلمان را متوجه روند جدید زندگی نمود، به نحوی که مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی، درک کردند که آنچه از عمرشان گذشته، در پی تبلیغات مسموم دشمن و یا در اثر غفلت و ناپاوری از توان دین جهت رهبری جامعه، کاملاً بی حال و بی خیال سپری شده و تحت سلطه بیگانگان، زندگی اسارت باری داشته اند، لذا با تاسی به حرکت امام خمینی "ره" موج و خروش عجیبی در میان توده های مسلمان در بسیاری از کشورهای اسلامی ایجاد گردید، و اگر چه در بسا مواقع و در برخی از کشورها، این درک و احساس به زودی رونما نگردید و تبارز علنی و فوری نداشت، اما از جنب و جوش و تحرک زایدالوصف مسلمانها در میادین مختلف کاملاً محسوس بود که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی "ره" تاثیر به سزایی روی روحیه و افکار امت اسلامی گذاشته است.

ج: انقلاب اسلامی و ایجاد نهضت های اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به طور مستقیم اثرات عمیقی روی افکار اسلامی مسلمانان جهان گذاشت، به گونه ای که تحت رهبری های داهیانه امام خمینی "ره" جبهه و حزب مبارزاتی تشکیل دادند.

مردم مسلمان افغانستان، دقیقاً متأثر از این انقلاب و پیوسته با آن، در صحنه حضور یافتند و تا جایی که در میادین نبرد، با شعار ولایت فقیه و رهبری امام خمینی "ره" به پیش می تاختند. در عراق، گروه های مختلف اسلامی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران تاسیس گردیدند که در برابر حکومت صدام حسین می جنگیدند. در فلسطین، مردم این سامان روح تازه در کالبد مبارزه خود دمیده و با الهام از اندیشه های امام خمینی "ره" خود را سازمان دادند و در برابر اسرائیل قد بر افراشتند. در لبنان، جوانان شیعه لبنانی چنان تحت تأثیر اندیشه های امام خمینی "ره" قرار گرفتند که تاب و توان دشمن آن آب و خاک و بلکه دشمنان اسلام را گرفتند و پس از تاسیس حزب الله قهرمان، چندی نگذشت که نه تنها لبنان را به ثبات و آرامش رساندند که بخشهای زیادی از خاک اشغالی خود را از زیر سلطه اسرائیل آزاد نمودند.

نهضت های اسلامی در افغانستان، عراق، فلسطین و لبنان چنان ضربات سهمگینی بر پیکره دشمن وارد کردند که رفته رفته باعث به وجود آمدن افتخارات عظیمی به نفع اسلام گردید.

در افغانستان، شوروی شکست خورد و زمام امور به دست مجاهد مردانی افتاد که با افکار و اندیشه های رهبری نظام اسلامی ایران هماهنگ بودند.

در عراق، صدام اعدام شد و مخالفین او و موافقین نظام اسلامی، بر صندلی قدرت تکیه زدند. لبنانی ها، در ادامه پیروزیهای پی در پی خود، در جنگ 33 روزه، پوزه استکبار و استعمار را به خاک مذلت مالیدند و افتخار بزرگی نصیب جهان اسلام نمودند. فلسطینی ها با محوریت سازمان های اسلامی به ویژه حماس و جهاد اسلامی، افتخارات پیاپی برای اسلام و مسلمان ها کسب کردند تا جایی که در جنگ 22 روزه ثابت نمودند که قدرت اسرائیل و حامیان آن پوشالی بوده و صرفاً با هدف ارباب مسلمین، بزرگ جلوه داده شده است.

از سوی دیگر دیده می شود که دشمنان جمهوری اسلامی ایران، هم اکنون در باتلاق افغانستان در حال فرورفتن اند. از عراق زیوانه خارج شدند و در فلسطین و لبنان هم نه تنها توان ضربه زدن به نهضت مقاومت را ندارند که مرتب، از سرپنجه های جمهوری اسلامی ایران سبلی های جانانه میخورند.

بيداري اسلامي که از یکسال بدینسو کشورهای عربي را فراگرفته است، از پیامد هاي سه مورد فوق الذکر و ثمره حضور و ادامه حیات قدرتمندانه نظام جمهوري اسلامي ايران تحت رهبري هاي داهيانه حضرت امام خامنه اي است. . اگرچه ممکن است برخي از افراد مغرض، این خیزش عظیم مردمی در کشورهای عربي را ناشی از عوامل دیگری القا نمایند، اما نگارنده وقتی با رهبران پیر و جوان این نهضت ها در تهران، یا سوریه و لبنان، ملاقات و ارتباط داشته، دیده است این افراد به صراحت ابراز می دارند که از انقلاب امام خمینی "ره" الهام گرفته اند و اکنون به تاسی از فرامین حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" حرکت کرده اند و نیز اخبار و گزارش های رسانه ای از کشورهای انقلاب کرده و یاد رجال خیزش، ثابت می سازد که حرکت ها، اسلامي بوده و سر منشا این بيداري هم، انقلاب عظیم اسلامي در کشور ايران می باشد.

در پی به وجود آمدن همین بيداري است که نه تنها غرب، برخي از حامیان و عوامل منطقه ای خود را از دست داده که در حال از دست دادن باقی عوامل مزدور خود نیز می باشد و این دقیقا به معنای تضعیف جبهه استکبار و استعمار در منطقه و جهان و پذیرفتن شکست سردمداران آن به ویژه آمریکا و انگلیس، است.

هم اکنون این بيداري نه فقط کشورهای اسلامي را فراگرفته که تاثیرات خود را بر جوامع عربي نیز گذاشته و موجبات اعتراضات آنان را نیز فراهم آورده است

نتیجه:

بدینترتیب با یک مطالعه سرانگشتی اوضاع داخلی و خارجی ايران از یکطرف و شرایط مختلف دشمنان نظام اسلامي در دنیا از طرف دیگر، روشن می شود که جمهوري اسلامي ايران در اوج قدرت بوده، اما دشمنان آن در حقیقت ذلت اند و از این رو، دشمنان نه تنها نمی توانند کوچکترین خطری متوجه جمهوري اسلامي ايران کنند که در آینده نه چندان دور، دست گدایی تقاضای ارتباط و دوستی به طرف جمهوري اسلامي ايران دراز خواهند کرد.

در این مجال، شاید این سؤال پیش بیاید که پس چرا غربی ها در تلاش هستند تا علیه ايران هیاهو ایجاد کرده و با شاخ و شانه کشیدن، تلاش کنند در اطراف ايران جابجا شوند، و از سوی دیگر، هواپیماهای جاسوسی به فضای هوایی ايران فرستاده و با تمام قدرت رسانه ای به جان جمهوري اسلامي ايران و سوریه

به عنوان کشور متحد ایران افتاده اند؟ به گونه ای که این ذهنیت را برای عده ای بی خبر از اوضاع پدید آورده که ممکن است امروز یا فردا، کار سوریه تمام شده و آنگاه نوبت به جمهوری اسلامی ایران برسد.

پاسخ این سؤال خیلی آسان و راحت به نظر می رسد و آن اینکه: وجود یک چنین شرایطی در جبهه غربی ها علیه ایران، ناشی از دستپاچگی و ترس آن ها از فروپاشی زود هنگام خودشان است.

چرا که امام خمینی "ره" با راه اندازی جنگ نرم علیه استکبار، خواب راحت را از چشمان آن ها ربود و آنها هستند که پی در پی سنگر از دست می دهند و از همین رو، از یکسو با شاخ و شانه نشان دادن و از سوی دیگر آن را در بوق و کرنا کردن از طریق رسانه ها، تلاش دارند فضای رعب و وحشت علیه مسلمان ها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران ایجادکنند تا از این طریق، اگر نمی توانند مسلمان ها را وادار به عقب نشینی کنند، حداقل مواجه به توقف نموده و نگذارند از این بیشتر تمام هست و بود آنها را در معرض خطر و نابودی قرار دهند.

غربی ها اگر عملاً می توانستند کاری بکنند، می کردند. چنانچه با به راه اندازی جنگ عراق علیه ایران، این قصد خود را عینیت بخشیدند و یا با سازماندهی کودتای نوزده و یا ترتیب دادن عملیات محرای طبس و حمایت از گروه های تروریستی مانند منافقین خلق و سپس انفجار ساختمان حزب جمهوری و همچنان نخست وزیری ایران و ده ها و صدها عمل دیگر، نیت خود را به منصف ظهور رساندند، اما نتوانستند به هدف نهایی خود یعنی براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی برسند، و اکنون به کلی درمانده گردیده و مسلماً در شرایط موجود، شواهد و قرائن نشان می دهد که عمر استکبار به پایان راه رسیده و زمان اقتدار ملت های مسلمان و آزاده فرا آمده است و به طور واضح و آشکار، جمهوری اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" در مرکز این حرکت عظیم استکبار ستیزی و ویران کننده کاخ ظلم و استبداد و فراهم شدن زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) و حکومت جهانی امام غایب، قرار خواهد داشت.

به امید آن روز